

نقش حضرت آیه‌الله‌العظمیٰ مرعشی نجفی رحمته‌الله‌علیه در مبارزه با تهاجم فرهنگی

نوشته: حجة الاسلام والمسلمین مقدم
- مسؤل واحد فنی، پژوهشی
و اطلاع‌رسانی

چکیده

این مقاله به مناسب بزرگداشت هفتمین سالروز (۷۶/۳/۲۳) رحلت حضرت آیه‌الله‌العظمیٰ مرعشی نجفی قدس‌الله‌نفسه‌الزکیه (۷ صفر ۱۴۱۱ برابر با ۷ شهریور ۱۳۶۹) که مصادف است با خجسته میلاد حضرت امام موسی کاظم علیه‌السلام (۱۲۸ ق) و فرمان بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران حضرت امام خمینی رحمته‌الله‌علیه مبنی بر تشکیل ستاد انقلاب فرهنگی (۱۳۵۹ ش) تهیه شده است.

نویسنده محترم سعی کرده ضمن توصیف فرهنگ و شناسایی کلی مهاجمان و مبارزان و شیوه‌های تهاجم و تدافع، به نقش برجسته فقیه اهل بیت عصمت و طهارت علیهم‌السلام در مبارزه با تهاجم فرهنگی و حفظ ذخایر بسیار ارزشمند اسلامی بپردازد.

پیشگفتار

بی‌شک در یک مقاله مختصر نمی‌توان از جریان تاریخ فرهنگ و تعاریف آن و عوامل انحطاط یک فرهنگ دیرپا، تصویر بایسته و واضح به دست داد. چه رسد به بسط سخن در پیشینه تهاجم فرهنگی و گوناگونی شیوه‌های مهاجمان

در زدودن و متلاشی ساختن فرهنگ ملتها، با هدف ربودن هستی آنان.

همان‌گونه که بررسی راههای مبارزاتی فرهنگبانان، نیازمند تحقیق و تفحص است. تشریح تهاجمات بیرحمانه استعمارگران نیز محتاج پژوهش در اسناد و مدارک بی‌شمار است. اما از باب «مالا یدرک کله لا یتدرک کله» نگاهی گذرا بر چگونگی سلاح نامرئی^۱ و پیچیده دشمنان بشریت که تهاجم و شبیخون^۲ فرهنگی نام‌گرفته است. برای درک وسعت^۳ و عمق خطر^۴ لازم است.

آنگاه تبیین نقش برجسته علما^۵ و دانشمندان به‌ویژه در سده‌ها اخیر^۶ به عنوان مبارزان سرسخت و مدافعان نستوه^۷ در برابر توطئه‌ها و نقشه‌های پلید غارتگران^۸ فرهنگ جامعه اسلامی، ساده‌تر خواهد بود.

دیدیم که تهاجمات نظامی دشمنان اسلام - به شکل مستقیم یا توسط ایادی آنها در منطقه - علیه جمهوری اسلامی ایران موفق نبود.^۹ در زمانهای گذشته نیز هیچ جنگ پیروزمندانه‌ای نتوانست ملت و کشور مغلوب را با کشتن و اسیر گرفتن نابود کند. فقط زمانی یک ملت، محکوم به فنا و نابودی است که هویت^{۱۰} خود را از دست بدهد و به فساد و تباهی کشانده شود^{۱۱} زیرا در آن موقع از درون پوسیده و فرو می‌ریزد.^{۱۲} و هلاکت خود را در سرنوشت خود رقم می‌زند^{۱۳} «إِنَّ اللَّهَ لَا

۱. تهاجم فرهنگی مثل خودکار فرهنگی، یک کار آرام و بی‌سر و صداست... مقام معظم رهبری ۷۱/۵/۲۱
۲. کاری که از لحاظ فرهنگی دشمن می‌کند، نه تنها یک تهاجم فرهنگی؛ بلکه باید گفت که یک شبیخون فرهنگی، یک غارت فرهنگی و یک

قتل عام فرهنگی است. مقام معظم رهبری ۷۱/۴/۲۲

۳. آنها ابزارهای متعددی به کار گرفتند. من وقتی به وسعت ابزارهای دشمن نگاه می‌کنم می‌فهمم چقدر برای اینها قضیه اهمیت دارد. مقام معظم رهبری ۷۱/۵/۲۱

۴. برای یک ملت فاجعه فرهنگی از فاجعه اقتصادی بسیار سنگین‌تر و خسارت‌بارتر است. یورش فرهنگی از یورش نظامی بسیار بیرحمانه‌تر و صعب‌العلاج‌تر است. مقام معظم رهبری تیر ماه ۱۳۶۶

۵. این آبروی هزار ساله، عبارت از آن چیزی است که در طول قرنهای متمادی، از علم و تقوای علمای بزرگ به دست آمده است. مقام معظم رهبری ۷۱/۱۱/۲۵

۶. در ایران خود ما هم، نهضت مشروطیت و پیش از آن نهضت تنباکو و مبارزه با استعمار دولتهای خارجی... به پیشقراولی و پیشاهنگی علما بود. مقام معظم رهبری ۶۹/۱۲/۲۲

۷. در نهضت و انقلاب الهی و مردمی، علمای اسلام اولین کسانی بودند که بر تارک جبینشان خون و شهادت نقشه بسته است. رهبر کبیر انقلاب.

۸. علمای مبارز اسلام همیشه هدف تیرهای زهرآگین جهان‌خواران بوده‌اند اولین تیرهای حادثه قلب آنان را نشانه رفته است. رهبر کبیر انقلاب.

۹. دشمن با یک محاسبه فهمید که جمهوری اسلامی را با تهاجم نظامی نمی‌شود از بین برد. مقام معظم رهبری ۷۱/۵/۲۱

۱۰. شما هیچ‌وقت از این خوف نداشته باشید که مثلاً دولت غاصب عراق حمله کرده است... شما از این خوف داشته باشید که همان نقشه‌هایی که اینها قبل از انقلاب داشتند... حالا بیشتر داشته باشند. رهبر کبیر انقلاب ۵۹/۸/۱۴

۱۱. اساساً فرهنگ هر جامعه هویت و موجودیت آن جامعه را تشکیل می‌دهد و با انحراف فرهنگ، هرچند جامعه در بعدهای اقتصادی، سیاسی، صنعتی و نظامی قدرتمند و قوی باشد ولی پوچ و پوک و میان‌تهی است. رهبر کبیر انقلاب.

۱۲. و می‌دانید و می‌دانیم اگر انحرافی در فرهنگ یک کشور پیدا شود... دیری نخواهد گذشت که انحراف فرهنگی بر همه غلبه کند و همه را خواهی نخواهی به انحراف کشاند. رهبر کبیر انقلاب ۶۱/۱۱/۲۲

۱۳. اگر شما ملت و عناصر فرهنگی بیدار نباشید خدای نخواسته صدای فرو ریختن ارزشهای معنوی که ناشی از تهاجم پنهانی و زیرکانه دشمن است هنگامی در می‌آید که دیگر قابل علاج نیست. مقام معظم رهبری ۷۱/۵/۲۱

۱۴. فرهنگ مبدأ همه خوشبختیها و بدبختیهای ملت است. رهبر کبیر انقلاب.

يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ»^۱
 امروز که ما در یک جنگ نابرابر به محاصره دشمنان انسانیت درآمده‌ایم^۲ و از هر سو مورد هجوم سلاحهای ضد اخلاق و ضد فرهنگ محسوس و نامحسوس^۳ واقع شده‌ایم. وظیفه سنگین‌تری را بر دوش خود احساس می‌کنیم.^۴ بنابراین هرچه درباره تهاجم فرهنگی و راههای پیشگیری از عوارض آن بگوییم و بنویسیم کم است.^۵ زیرا مادام که به استقلال فرهنگی^۶ نرسیده‌ایم و شکافهای ایجاد شده بر حصار افکار جامعه را مسدود نکرده‌ایم، خطر سقوط و انحراف وجود دارد. به همین جهت تلاش می‌شود شیوه مبارزه یکی از فرهنگبانان بزرگ - که در طول عمر با برکت خود حتی یک لحظه از پای ننشست - معرفی گردد.^۷

امید است که این جزوه مختصر برای شناسایی راههای استقامت و برخی ویژگیهای سراسر نورانی علما و دانشمندان در برخورد با ناهنجارهای جامعه، مفید واقع شود.

فرهنگ و تهاجم فرهنگی چیست؟

از عواملی که نگرانی را افزایش می‌دهد، تحریف در مفهوم واژه «فرهنگ» است. زیرا ناشناخته بودن مورد نزاع و بحث به همان اندازه گمراه‌کننده و خطرناک است که ناشناخته بودن کمیت و کیفیت تجهیزات و نفرات دشمن «مهاجم علیه»، یک جمعیت از همه جا بی‌خبر که در آرامش قبل از طوفان به سر می‌برند.

تصور کنید اضطراب دهشت‌انگیز گروهی را که غفلتاً مورد حمله قرار گرفته‌اند. نمی‌دانند به کدام طرف پناه ببرند و چگونه از خود دفاع نمایند. نه راه گریز است و نه امکان مقابله. در اثر ضربات پی‌درپی دشمن فاتح، از سروکول یکدیگر بالا می‌روند و به خیال نجات خود، همدیگر را زیر پا له می‌کنند. اگر ما ندانیم فرهنگ چیست و چه ارزشی دارد و تهاجم فرهنگی چه مصیبت هولناکی است، مانند آن گروهی خواهیم بود که از شبیخون دشمن بی‌خبر است. در واقع توفیق در هجوم ناگهانی و رمز شبیخون زدن، استفاده از اصل غفلت و بهره‌برداری مناسب از هنر استتار شمرده شده است. غارتگران جهانی و جهانخواران غارتگر نیز با تکیه بر اصل غافلگیری و استتار، فرهنگ ملت‌ها را مورد تاخت و تاز خود قرار داده و پس از تاراندن هویت فردی و اجتماعی مردم سرزمینهایی که ثروتهای سرشار داشتند، به القاء شخصیت اطاعت‌پذیری و بی‌تفاوتی پرداخته‌اند تا مردم اعتراضی به چپاول آنان نداشته باشند.

جامعه‌ای که اصالت فرهنگی خودش را از دست داده و ارتباطش با عقبه قطع شده و اعتماد به نفس را از دست داده است، به سادگی از هم می‌پاشد. آنگاه مانند گروه غافلگیر شده در شبیخون وحشت‌آور؛ به قصد جبران و نجات، اما بی‌توجه به دامهای گسترده شده، خود را به آب و آتش زده، با دستپاچگی به هر سو پراکنده می‌گردد. به همین جهت بهتر در کمین قرار گرفته و آسانتر شکار

می‌شود.

بدیهی است که این صیادان چیره‌دست و ماهر پس از به دست آوردن صید، در تربیت و بازسازی جسم و روح شکار به منظور استفاده بهینه از آن می‌کوشند و در نهایت موجود دست‌پرورده‌ای از شکار خود به وجود می‌آورند.

درست با توجه به این نکته مهم است که می‌بینیم واژه‌ها تحریف می‌شوند. مفاهیم دست‌کاری و تعاریف قلب می‌گردند. واژه‌های ساخته شده جدید، تاریخ و سابقه طولانی پیدا می‌کنند. مانند واژه‌های: هنر، تمدن، عدالت، عشق، فضیلت، مننش، صلح‌جویی، آزادی‌خواهی، فراماسونری، دیپلماسی، رئالیستی و ...

۱. سوره رعد آیه ۱۱.
 ۲. امروز شمائید و همه عالم دشمن شما، الامعدود. رهبر کبیر انقلاب ۶۵/۱۲/۲۳.
 ۳. امروز دستهایی تلاش می‌کنند تا فساد را به صورت نامحسوس... در میان جوانان ترویج کنند. مقام معظم رهبری ۷۱/۵/۷.
 ۴. امروز خیلی تکلیف بر عهده ماست. تکلیفهای شاق هم به عهده ماست. رهبر کبیر انقلاب ۶۵/۱۲/۲۳.
 ۵. درباره فرهنگ هرچه گفته شود کم است. رهبر کبیر انقلاب ۶۱/۱۱/۲۲.
 ۶. ما باید با تمام وجود به استقلال فرهنگی برسیم که استقلال فرهنگی پایه و اساس کشوری آزاد و مستقل است. رهبر کبیر انقلاب ۶۱/۷/۱.
 ۷. مردم را نمی‌شود به چیزی توجه داد مگر توسط روحانیون. رهبر کبیر انقلاب.
- در مقابل این تهاجم فرهنگی، چه کسی باید ایمان مردم را حفظ، ذهنشان را مجهز و ایمانشان را مسلح کند؛ این وظیفه علماست. مقام معظم رهبری ۶۳/۲/۱۸.
- همت بگمارید که قلم و بیان خویش را برای تعالی اسلام و کشور و ملت خود به کار گیرید. رهبر کبیر انقلاب.

حتی برخی از نویسندگان اروپایی نیز به این حقیقت اقرار کرده‌اند. از آن جمله آقای الیوت نویسنده و شاعر معاصر انگلیس در مقدمه کتاب «درباره فرهنگ» می‌نویسد:

«درست همان‌گونه که یک آئین (Doctrine) فقط پس از ظهور ارتدادهاست که نیاز به تعریف دارد، پس یک کلمه هم تا وقتی مورد استفاده غلط قرار نگرفته است، محتاج چنین توجیهی نیست»^۱.

جامعه‌شناسان و تحلیل‌گران مسایل سیاسی و اجتماعی تعاریف گوناگونی از فرهنگ ارائه داده‌اند. برخی تعریفها حتی ضد و نقیض به نظر می‌رسد. اگر کسی مجموعه این تعریفها را جمع‌آوری کند، یک جزوه قابل توجه به وجود می‌آید. بنابراین فقط به یک نمونه اکتفا گردید و هیچ نیازی به نقل عقیده همه مخالفان و موافقان این نظریه - که کلمه فرهنگ نیز مثل بسیاری از واژه‌ها دچار ابهام و سوء برداشت شده است - احساس نمی‌شود. با توجه به وجود همین ابهام و اختلاف در تعریف و معنای «فرهنگ و تهاجم فرهنگی» به سخنان مقام معظم رهبری رو می‌آوریم تا از عوارض بمباران الفاظ و تعبیر فریبنده مصون بمانیم.

«فرهنگ هر جامعه‌ای و ملتی و هر انقلابی به مجموعه دستاوردهای ذهنی در آن جامعه که شامل دانش، اخلاق، سنن، آداب و چیزهایی که از اینها سرچشمه می‌گیرد گفته می‌شود. به طور کلی ذهنیت حاکم بر یک جامعه به معنای جوشیده یا از خارج از آن جامعه در آن راه

یافته باشد»^۲

«تهاجم فرهنگی به این معنا است که یک مجموعه سیاسی یا اقتصادی برای اجرای مقاصد خاص خود واسیر کردن یک ملت به بنیانهای فرهنگی یک ملت هجوم می‌برند»^۳

بی‌آنکه فرهنگ را منبعث از مذهب بدانیم و یا به عنوان محصولی از شرایط زیست‌محیطی بپذیریم بر این نکته روشن تکیه می‌کنیم که فرهنگ هر ملت پشتوانه و اعتبار آن ملت است. به همین جهت است که «تمام تلاش کشورهای استعمارگر در بریدن و پاره کردن بندهای وابستگی فرهنگی یک ملت به میراثهای فرهنگی خویش است»^۴

از چه زمانی تهاجم آغاز شد؟ و مهاجمان چه کسانی هستند؟

درست است که تهاجم فرهنگی علیه ملت ایران «مشخصاً از دوران رضا خان شروع شد»^۵. اما «قبل از او مقدمات تهاجم فراهم شده بود. قبل از او کارهای فراوانی کرده بودند»^۶. آنها «شاید قریب بیش از سیصد سال است در این ممالک راه پیدا کرده‌اند»^۷.

از همان زمان که در اروپا انقلابی به نام رنسانس به وقوع پیوست و از آمیزش تحول صنعتی با تحول اجتماعی و اقتصادی، استعمار نو متولد گردید؛ از همان موقع که برای تهیه مواد اولیه ارزان و فروش دایمی و گران تولیدات کارخانجات، باب روابط بازرگانی باز شد؛ از آن روزها که رؤیای سفر به مشرق زمین و دیدن و نوشتن عجایب این مرز و بوم در

مخیله اروپاییان پروریده گشت؛ تهاجم فرهنگی به شکل نو و بسیار حاد شروع شد.

آری، آنها به بهانه تجارت، دوستی، مطالعه، تحقیق، سفر، سیاحت و ... به کشورهای اسلامی سرازیر شدند. سپس با نقشه‌های ماهرانه و حرکت‌های مرموزانه و با برخورداری از یک پشتیبانی بسیار قوی و بر اساس برنامه‌ای دقیق و مدون از تشکیلات پیچیده استعمار به منظور فراهم کردن زمینه برای تهاجم فرهنگی و به دنبال آن سلطه بی‌قید و شرط بر هستی و نیستی ملت‌ها، یورش آغاز کردند.

گفتنی است که تهاجم منحصر به این دوره از تاریخ (چهار صد سال اخیر) نیست. پیش از آن نیز تهاجماتی برای ریشه‌کن کردن فرهنگ و عقیده و افکار و جو حاکم بر جامعه از سوی اروپاییان وجود داشته است. نمونه بارز آن در مورد مسلمانان اندلس به اجرا درآمد. جوانان مؤمن و برومند آن سرزمین را به فساد، شهوترانی و میگساری کشاندند. وقتی عزت و شرف آنان به دست خودشان پایمال گشت، آسیب‌پذیر شدند و از صلابت و استواری به انحطاط و فروپاشی تنزل پیدا کردند. آنگاه به دست دشمن نابود شدند و سرزمین

۱. تی. اس. الیوت، ترجمه حمید شاهرخ، درباره فرهنگ - تهران: شرکت نشر مرکز، ۱۳۶۹.
۲. مقام معظم رهبری ۷۱/۵/۲۱.
۳. مقام معظم رهبری ۷۱/۵/۲۱.
۴. شهید مطهری، مرتضی. پیرامون انقلاب اسلامی - تهران: چاپ سپهر، ص ۱۲۲.
۵. مقام معظم رهبری ۷۱/۵/۲۱.
۶. رهبر کبیر انقلاب.
۷. رهبر کبیر انقلاب.

اسلامی را از دست دادند.

همانگونه که تهاجم به زمان خاصی منحصر نیست، مهاجمان نیز فقط اروپاییان نبودند. بسیاری قدرتمندانی که فزون طلبی کرده و به هستی ملتها دست انداخته اند. تاریخ، سراسر داستان این حوادث است. مگر همین معاویه و عمالش در مورد مردم عراق و کوفه در دوران خلافت امیرالمؤمنین علیه السلام دست به تهاجم فرهنگی نزدند؟ آنها در طول سالهای پیش از خلافت علی علیه السلام مقدمات را فراهم کرده و مردم را مستعد انحراف ساخته بودند. به همین دلیل، با وجود اینکه رهبری چون علی علیه السلام زمام امور را به دست داشت، مردم سر در گم شده و در تشخیص حق و باطل دچار تزلزل و تردید شده بودند. لذا می بینیم مولای مستقیان علیه السلام از تهی مغزی مردم و پوچ اندیشی آنان شکوه می کند.

به عبارت روشن تر، در برابر همه حرکت های الهی و انسانی پیامبران و جانشینانشان دو شیوه تهاجم و یورش وجود داشته است:

۱. یورش نظامی.

۲. یورش فرهنگی.

مؤمنان در برابر یورش های نظامی از خود دفاع می کردند. گاهی پیروز می شدند و گاهی شکست می خوردند. اما ایمان خود را از دست نمی دادند. ولی در برابر یورش های فکری و فرهنگی و نقشه های شیطانی، همیشه امکان تزلزل در ایمان و عقیده وجود داشت.

بنابراین بهتر است گفته شود که مهاجمان همان هواپرستان طماع

و فزون طلب هستند. آنهایی که می خواهند همه چیز در انحصار آنان باشد، همه چیز را برای خود می خواهند. و ناگفته روشن است که پیامبران، مصلحان و مکتب های آسمانی را متضاد با منافع خود تشخیص می دهند. برای رسیدن به هدف خودشان به هر حيله و مکرری دست می زنند. برای حفظ جریان ثروتها - از کیسه مردم به کیسه خودشان - از هیچ کوششی دریغ ندارند. در صورتی که قدرت داشته باشند. جنگ و خونریزی راه می اندازند و زمانی که جنگ کردن به سودشان نباشد، نقشه ها و توطئه هایی را طرح ریزی می کنند که در

دراز مدت روی جبهه های دینی و فرهنگی مردم اثر سوء می گذارد و زمینه تهاجم فرهنگی برای تسلط بر آن ملت را فراهم می سازد.

مبارزان چه کسانی هستند؟ و چگونه

تهاجمات دشمن را دفع می کنند؟

به جهت وجود دو عنصر الهی و حیوانی در نهاد آدمی، میان روح خدایی و حیوانی بشر، در جلب سعادت ابدی - که با رنج و زحمت به دست آید - و لذات زودگذر دنیوی - که به سهولت حاصل شود - جدال جاودانه وجود دارد. هرگاه که انسان در این تعارض و کشمکش از عقل سلیم و واقع بینی بهره جسته است، به مقام منبع خلیفه اللهی نایل آمده است و هر زمان که تحت تأثیر وسوسه های نفسانی درونی و کشش های جسمانی برونی قرار گرفته و پیروی از احساسات زودگذر را بر تفکر عمیق

و درست ترجیح داده است.، به ورطه سقوط در منجلاب زشتیهای نامعقول و رسوایی های نامشروع کشانده شده است. انبیای عظام از سوی خدای عالم برانگیخته شدند تا انسان را در این نزاع یاری کنند. آنان از میان همین مردم برگزیده شدند و رهبری قوم را به دست باکفایت خود گرفتند تا شاهراه هدایت را برای بشریت بنمایانند. برنامه تکامل و رشد سعادت مندان را از طرف خدا اعلان کنند.

آنان پناهگاه امنی برای مردم مظلوم و ستم دیده بودند. در برابر سلاطین جابر و گرنکشان زورمند، چتر حمایت خویش را بر سر بیچارگان کشیدند و در شداید و گرفتاریها دستگیرشان شدند. تا جایی که برایشان امکان داشت، موانع را از سر راه سعادت طلبی برداشته و زمینه تعالی و ترقی را فراهم کردند.

جانشینان پیامبران نیز همان برنامه نازل شده از سوی خدا را ادامه دادند. در برابر دشمنان انسانیت ایستادگی کردند و راه هدایت را مشخص نمودند. ارزشهای انسانی و اسلامی را زنده ساخته، پلیدیها را یادآور شدند. از فضایل و کمالات حمایت کرده، ناشایستها و رذالتها را مردود دانستند.

علما و دانشمندان صالح هر قوم که مردمانی پاکبخته و درستکار بودند، شیوه پیامبران و جانشینانش را برگزیدند. به یاری مظلومان برخاسته و در برابر مستکبران ایستادند. از این رو همیشه «بر تارک جبینشان خون و شهادت نقش بسته

است»^۱ و سینه‌هایشان «همیشه هدف تیرهای زهرآگین جهانخواران بوده است»^۲.

این آزادیخواهان واقعی روشنگران بی‌تزویر تاریخ بوده‌اند. تا جایی که بسیاری از خیل دانشمندان بزرگ، در راه هدف مقدس خویش جان باخته و نامشان را در کتاب تاریخ به رنگ سرخ و برجسته به ثبت رسانده‌اند.

هر کدام از آنان به تناسب شرایط زمان، روشی را انتخاب کرده و برای خارج ساختن مردم از بلا تکلیفی، به اقداماتی دست زده‌اند. بزرگان دین با هوشیاری و متانت موقعیت خود و دشمن را مورد مطالعه قرار داده و با تحلیل منطقی قضایا، بروز خطر را پیش‌بینی کرده، در برابر لبه تیز حربه‌های دشمن عکس‌العمل نشان داده‌اند.

حملات چپاولگران به شکل تحریف، شایعه‌پراکنی، جعل روایت، دروغ‌پردازی، مذهب‌سازی، ایجاد تفرقه، تحقیر، تطمیع، تخدیر افکار، ترویج فحشا و فساد و... بوده و واکنش علمای مبارز نیز آگاه‌سازی مردم، تبیین کیفیت اعمال و نتیجه عاقبت اندیشی، رد دروغها، حل مشکلات و جواب سؤالاها، ایجاد وحدت و استحکام بخشیدن به افکار و عقاید، آشکار ساختن مبانی مذاهب ساختگی و توطئه‌های پشت پرده‌ها، نمایاندن ارزشهای اخلاقی و تعریف ارزشهای مادی و سرمایه‌های ملی، فرهنگی و دینی مردم بوده است.

حاصل سخن اینکه مبارزان همان

جانگام می‌سازد. بدیهی است که توفیق دشمنان در این موضوع، ناشی از خودباختگی و بی‌خبری مردم، غفلت و عیاشی بی‌حد و حصر حکام و سلاطین، سکوت یا عدم تحرک و بی‌تفاوتی برخی از روحانی‌نمایان دنیای بوده است.

سالها بود که کشورهای اسلامی به چنگ استعمارگران افتاده بود و آنها بیرحمانه به نهب و غارت هستی مردم مشغول بودند. اما در این بحبوحه پرآشوب، طلبه‌ای جوان و پرشور، دانشجویی بیدار و هوشیار، دانشمندی آگاه به زمان و دوران، کتابشناسی با فرهنگ و فرهیخته، به پاخواست و با دست خالی، اما دلی پر از درد ورنج و قلبی سرشار از امید به حفظ گنج، ستیز آغاز کرد، و از همان نوباوه‌گی قدم در میدان نبرد نهاد و هم‌زمان در چند جبهه به فعالیت پرداخت. او نستوه و مقاوم به مبارزه ادامه داد تا توانست بخش عمده‌ای از فرهنگ مکتوب را از چنگال دشمن بیرون آورد و برای ما به یادگار بگذارد.

ما با اشاره به برخی از ویژگیهای شخصیت فقیه اهل‌بیت عصمت و طهارت علیهم‌السلام حضرت آیه‌الله‌العظمیٰ مرعشی نجفی رحمته‌الله سعی می‌کنیم ضمن ترسیم سیرت سعادت آشیان آن فقید سعید، به چگونگی مبارزات معظم‌له پی ببریم.

آن مرد خدا در قدم اول به خودسازی

بندگان صالح خدا هستند که پس از خودسازی و تزکیه نفس برای روشنگری و هدایت بشر برمی‌خیزند و در این راه شکنجه و یا محبوس می‌شوند. تبعید شده و یا به شهادت می‌رسند. پیروز شده و خوشبختی را برای پیروان خود به ارمغان می‌آورند.

شیوه مبارزه حضرت آیه‌الله‌العظمیٰ مرعشی نجفی رحمته‌الله با تهاجمات فرهنگی دشمنان اسلام و ایران

یکی از خطرناک‌ترین عملیات دشمن ایجاد خلاء فرهنگی و جمع‌آوری ذخایر ملی و دینی و تهی‌سازی دست آنان از داشتن کتابها، اسناد، نامه‌ها، رساله‌ها، نقشه‌ها، آثار تمدن و بقایای محصولات هنری و فرهنگی و به تبع آن، القاء احساس فقدان الگوها و اسوه‌ها، ایجاد احساس نداشتن برنامه‌های رشد اقتصادی و اجتماعی، و در نهایت ترویج تقلید از بیگانگان و غیره است.

آنان با ربودن، و به یغما بردن چنین آثار گرانسنگی، ضمن قطع ارتباط مردم با پشتوانه ملی و فرهنگی، سرمایه بی‌مانند و معنوی ملتها را نیز تصاحب می‌کنند. به‌طوری که امروز تمام مردم جهان میدانند که بزرگترین کتابخانه‌ها و موزه‌های جهان - به ویژه اروپا - با آثار و اشیای نفیس و بی‌نظیر ملل مشرق - خصوصاً مسلمانان - مزین گشته و به غنا رسیده است. سرمایه هنگفت و ناحسابی که از این طریق نصیب غارتگران بی‌رحم شده است، قلب هر مسلمان دین‌دار و وطن‌دوست بیدار را دچار درد و غم

۱. رهبر کبیر انقلاب.

۲. رهبر کبیر انقلاب.

و تزکیه نفس پرداخت. این اقدام، شیوه همه پیامبران، جانشینان آنان، مصلحان، رهبران دینی، فقها و علماست. لذا از همان عنفوان جوانی، پاکی، صداقت و زهد را پیشه خود ساخت. با استقامت و پایداری مشکلات را از میان برداشت. وقت‌شناسی و نظم در کارها را سرلوحه برنامه‌های زندگی خود قرار داد. با فقر و تنگدستی ساخت و روح و نفس خود را کرامت و عظمت بخشید. در تحصیل و تدریس علوم آل محمد علیهم‌السلام سعی بلیغ و کوشش فوق‌العاده نشان داد، تا جایی که به همه علوم اسلام و حوزوی و مقدمات آنها مانند: ادبیات فارسی و عربی، منطق، فقه، اصول فقه، فلسفه، کلام، عرفان، تفسیر، قرائت، درایه، رجال، انساب، ملل و نحل، تاریخ و تاریخ علوم، طب، ریاضیات و حتی علوم غریبه مانند نجوم، جفر و غیره تسلط پیدا کرد. در پی تحقیق و تألیف در هر رشته از آن علوم به درجه اجتهاد و تخصص نایل گشت. عجیب‌تر اینکه علاوه بر درک نفس آن علوم و دانشها، در سیر ادوار تاریخی هر شاخه از علوم، صاحب‌نظران و بزرگان هر رشته، کتابها و رساله‌های حاوی آن علوم نیز جهد کرد تا جایی که با دیدن کتابی می‌دانست که نام آن چیست؟ نویسنده‌اش کیست؟ در چه رشته‌ای است؟ حتی گاهی کاتب، محل و تاریخ کتابت، و تألیف آن را نیز می‌دانست.

چنین قدرت علمی و فنی با تلاشهای شبانه روزی و خواندن و نوشتن و گفتن و بررسی کردنهای متوالی حاصل شده

بود. یعنی در پی عمل به یک برنامه دقیق و در عین حال شاق و خارج از توان افراد سست‌پایه، برنامه‌ای که مرد را چون فولاد آبدیده مقاوم می‌کند و چون دریا صاحب گنج و جواهر می‌سازد. تولد آن مرحوم (۱۳۱۵ ق برابر با ۱۲۷۶ ش) در شهر و منطقه پرحادثه (نجف اشرف) بود. در کوران حوادث سیاسی و در هنگامه ستیز بیدارگران با بیدادگران بود که رشد یافت. بنابراین در دوران شباب چهره پلید استعمار را شناخت و در مبارزات سیاسی شرکت جست. با مبارزان مصلح رابطه برقرار کرد. به آنان دلگرمی داده و از آنان حمایت به عمل آورد. برای حفظ حوزه‌ها از درهم پاشیدگی، با مرحوم آیت‌الله العظمی شیخ عبدالکریم حائری همکاری جدی و صمیمانه انجام داد. در جریان کشف حجاب مقاومت کرد. با آیت‌الله العظمی بروجردی همکاری نمود. در نهضت بی‌بدیل امام خمینی (رضوان‌الله) شرکت فعال داشت. با عمل و فکر بدیع خود به وحدت میان مسلمانان، خصوصاً سران آنان اقدام نمود. با اعطا و اخذ اجازه روایی، اجتهادی و غیره باب مرآه و همکاری صمیمانه میان علمای مذاهب مختلف اسلام را فتح کرد. به مسافرت‌های علمی و تحقیقی پرداخت. با دانشمندان مکاتبه نمود. سؤالات علمی پژوهشگران را پاسخ گفت. با داشتن گنجینه عظیم نسخ خطی اساتید دانشگاهی را جلب کرد. با ارسال کتب و اهدای منشورات دینی به نشر فرهنگ اسلامی مبادرت ورزید. مسجد، مدرسه، حسینیه،

درمانگاه، آب انبار، مؤسسات پژوهشی و ... ساخت. اما اینهمه را همه کرده‌اند. آنچه همه نکرده‌اند کارهای بسیار بزرگ و برجسته است و همین کارهای استثنایی که شبیه معجزه است، سبب امتیاز میان فقها و مراجع عظام می‌شود.

به طور مثال انقلابی که خمینی بزرگ، آن امام راحل علیه‌السلام به انجام رسانید، یک عمل بنیادی و یک کار بی‌مانند بود. مرحوم آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی علیه‌السلام نیز در زمینه جمع‌آوری و حفظ فرهنگ مکتوب اسلامی کاری بی‌مانند کرد. همان‌طور که امام علیه‌السلام تنها و یک تنه به مبارزه سیاسی با استعمار در بعد اجتماعی و شکل حکومت پرداخت و بحمدالله پیروز شد؛ مرحوم آیت‌الله العظمی مرعشی نیز تنها و دست خالی به مصاف استعمار در بعد فرهنگی و نامرئی آن رفت و به شکر خدا توانست یک سرمایه بی‌نظیر دینی و ملی را از دستبرد چپاولگران محفوظ بدارد. ذخایر غیر قابل‌تصوری که اگر همه آنها از خطرات نابودی - که دشمنان به وجود می‌آوردند - به سلامت رسته بود، امروز مسلمانان کمبودی از نظر پشتوانه فرهنگی و علمی نداشتند. هرچند که اکنون نیز تمدن و فرهنگی غنی‌تر از هر ملت و قومی دارند.

آن مرحوم در طول هشتاد سال عمر با برکت خویش و در راه شناسایی، خرید و حفظ آن کتابها، چه خون دلها که نخورده است و چه سختی‌ها که نکشیده است!

در دورانی از عمر که جوانان هم‌سال معظم‌له از لذایذ جوانی بهره‌مند می‌شدند، وی روزها ضمن درس خواندن و درس گفتن، روزه استیجاری می‌گرفت و نماز استیجاری می‌خواند، بخشی از شب را در کارگاه برنج‌کوبی کار می‌کرد و یک وعده از غذای خود را حذف می‌نمود تا با اندوخته چنین زحمات طاقت‌فرسایی، پول خرید کتابهای نفیس را تهیه کند و بپردازد. در حالیکه عمال استعمار با پولهای گزاف به سراغ دلالان دنیادوست می‌رفتند و آنها را به جمع‌آوری و خریداری کتابها، اسناد، مدارک، اشیای موزه‌ای، و هر چیزی که ارزش ملی، فرهنگی، دینی و یا حتی مادی داشت وادار می‌کردند.

در این خصوص داستان خرید کتاب ریاض‌العلماء در نجف اشرف و درگیری آن حضرت با جاسوسان و مأموران بریتانیا و بازداشت شدن ایشان و ... معروف است. گوشه‌هایی از مبارزات آن فقیه عزیز، علیه حرکت خرنده و نامحسوس استعمار در بیشتر رسانه‌های جمعی منعکس شده است. با این حال علاقمندان و خوانندگان گرامی را به مطالعه کتابهای برستیف نور، شهاب شریعت، اختران تابناک، آثار الحجة، گنجینه دانشوران، قبسات و ... دعوت می‌کنم.

یادش گرامی، روحش شاد و راهش پر رهرو باد.

* * *

فقیه فرهنگیان

نوشته: محمد باقر بدوی

تقارن سالگرد تشکیل ستاد انقلاب فرهنگی در سال جاری با هفتمین سالگرد عروج ملکوتی فقیه اهل بیت عصمت و طهارت علیه السلام حضرت آیه‌الله العظمی مرعشی نجفی رحمته الله که بحق یکی از محدود فرهنگبانان بزرگ قرن حاضر می‌باشد را ارج می‌نهیم و نگاهی دیگر به معجزه فرهنگی این پیر عارف در دنیای کتاب می‌اندازیم.

بی‌شک یکی از قدرتمندترین و شاید مؤثرترین حربه استعمار از قدیم‌الایام در کشورهای جهان، تهی کردن و بی‌هویت نمودن ملل آنان بود و متأسفانه به کمک برخی ناپختگی‌ها و تحت لوای سیاست کارگزارانشان در پاره‌ای از کشورها به موفقیت صددرصد نیز رسیدند.

برای نیل به این هدف شوم، هر آن چیزی که به نحوی به فرهنگ بومی و ریشه‌ایی یک ملت مربوط بود و بویی از علم و پیشرفت را می‌داد به یغما می‌بردند و دقیقاً به همین دلیل است که امروز می‌توان بریتانیا استعمارگر دیروز را موزه جهان لقب داد.

پرواضح است که با این غارت‌ها نوعی بی‌هویتی به جان نسل‌های جدید رخنه می‌کرد و همیشه خود را نیازمند به همین غارتگران احساس می‌کردند حتی نیازمند به دسترسی به فرهنگ ریشه‌ایی و بومی اجداد خود.

و جالب این که همین استعمارگر غارتگر انواع پیشرفتهای مختلف را که در

سایه غارت فرهنگ‌ها و علوم متنوع ملل جهان بدست آورده را با هزار و یک ناز و غمزه و مکر و نیرنگ به خورد همین ملل بخت‌برگشته می‌دهد.

متأسفانه جوامع اسلامی نیز از این نقشه نامبارک استثنا نشدند و مهم‌تر آن که به علل متعدد این نقشه رشد قابل توجهی نیز در این جوامع داشته است به حدی که امروز یکی از دلایل عمده عقب‌ماندگی بارز جوامع مسلمین را می‌توان در سایه موفقیت این طرح شوم دانست.

دشمنان قسم خورده ما بخوبی درک کرده بودند که در میان فرق مختلف اسلامی، شیعه زنده‌ترین و پویاترین آنها می‌باشد که علوم خود را از مردانی گرفته است که به گواه تاریخ متصل به علم لَدُنَّی بودند.

آنها بخوبی از تجربیات اسلاف خود آموخته بودند که عالمان عارف شیعی به کمک همین علوم دست نوشته شده محمدی صلی الله علیه و آله هر زمانی که خواستند، توانستند مردم معتقد خود را به صحنه همه جانبه بیاورند و یا در ابواب مختلف مسایل جهانی نظر مؤثر بدهند لذا به قلب شیعه در آن زمان رخنه کردند تا آنها را به زعم خود از درون پوک نمایند.

اما شیعه مفتخر است که همیشه تاریخ فرهنگبانانی عارف و بیدار، سگاندار آنان بودند که آسایش خود را صرف بیمه مردم کردند و خوشبختانه در آن بحبوحه فرهنگی و قدرت مطلق استعمار بریتانیا، مردی عارف از تبار علی علیه السلام قدم به صحنه مبارزه‌ای گذاشت که بی‌تردید با توجه به شرایط آن روز، پیرویش به